

چگونه در دانشکده پزشکی درس بخوانیم!

فصل 1: یادداشت برداری کن!

اگر قرار بود اسم این کتاب "الفبای درس خواندن" باشد، اسم این فصل "الف" میشد. نمیتوانم اهمیت یادداشت برداری هنگام درس خواندن در دانشکده پزشکی را آن طور که باید بیان کنم. از لحاظ حجم باورنکردنی مطالب، توام بودن مطالب حفظی و تحلیلی، یادگیری اکثر علوم پایه آن هم ظرف ۲ سال موجب شده تا رشته پزشکی از سایر رشته ها کاملاً متمایز شود. چگونه کاری چنین دلهره آور قابل انجام است؟

برخی دانشجویان از لحاظ دانشگاهی با استعداد هستند. آنها میتوانند رفرنسها را بخردند، آنها را کامل بخوانند و چند روز بعد آن مطالب را کاملاً به یاد بیاورند. اما برای مابقی دانشجویان که سطح متوسطی دارند، چنین چیزی آسان نیست. انجام این کار مستلزم تلاش و تعهد بسیار زیاد است. اما یک راه مطمئن برای پوشش و بازبینی موفقیت آمیز همه مطالب، یادداشت برداری است. بیایید ببینیم چگونه این کار به ما کمک میکند.

وقتی شما یادداشت برداری میکنید در واقع بطور فعال درس میخوانید. بسیاری از ما میتوانیم گواهی بدهیم برخی اوقات که مشغول مطالعه هستیم فقط وقتی متوجه میشویم که مشغول چرت روزانه هستیم که از خودمان میپرسیم "الان چی خوندم؟". یادداشت برداری هنگام درس خواندن شما را وادار میکند تا دقیق باشید، زیرا نه تنها مشغول مطالعه هستید، بلکه درحال بررسی این نکته هستید که کدام بخش از درس اهمیت دارد. شما فعالانه مشخص میکنید که کدام قسمت ها کم اهمیت هستند، کدام بخشها احتمالاً در آزمون مورد سوال واقع میشوند، کدام موارد قابل حذف شدن هستند و اکنون، میزان توجه شما به درس به شدت افزایش یافته است. اینجاست که یک جمله به ظاهر ساده در رفرنس میتواند ناگهان سخت شود:

"گلوزر بوسیله آنزیم Y به ماده X تبدیل میشود."

در ادامه سوالاتی آمده اند که شما باید هنگام مطالعه فعال آنها را از خودتان بپرسید و تصمیم بگیرید که کدامشان را یادداشت کنید:

-گلوزر چه؟-ماده X چیست؟-آنزیم Y چیست؟-آیا لازمه این نکته رو بدونم؟- ممکنه تو امتحان سوال بیاد؟-تو امتحان از این نکته چجوری سوال میداد؟-این واکنش چه اهمیتی تو بالین مریض داره؟-به چه شکل دیگه ای ممکنه از این نکته سوال طرح بشه؟-آیا این نکته قابلیت ترکیب با مباحث دیگه رو داره؟-اصلاً چرا گلوزر بوسیله آنزیم Y به ماده X تبدیل میشه؟(درباره ی چراها در فصل ۴ بیشتر نوشته ام).-آیا بعد از یک هفته، این نکته تو ذهن میمونه؟ این فهرست به نظر کمی طولانی است؛ ولی وقتی شروع به مطالعه فعال کنید، این سوالات بدیهی به نظر خواهند رسید. شما خواهید توانست هر سطر از کتاب را که میخوانید به سرعت تحلیل کنید و در نهایت تصمیم بگیرید که چه نکته ای را یادداشت کنید.

پس فعالانه درس بخوانید، مطالبی را که میخوانید آنالیز کنید، از هر چیزی که میخوانید پرسش طرح کنید، تصمیم بگیرید که چه نکاتی را یادداشت کنید و در نهایت یادداشت تان را تکمیل کنید. پس از آنکه کتابهایتان را مطالعه نمودید و دانستید که چه نکاتی را باید یادداشت کنید، حالا باید بصورت فیزیکی یادداشت هایتان را بنویسید.

در اینجا، شما یکبار دیگر مجبورید تا دقت به خرج بدهید؛ چون برخلاف خواندن، نوشتن عملی به شدت فعالانه تر و نیازمند توجه بیشتری است. شما ممکن است خلال مطالعه چرت بزنید ولی وقتی مشغول خواندن و نوشتن هستید، احتمال چرت زدن تان کاهش می یابد. در مقایسه با خواندن (که اغلب همان زل زدن به کلمات است)، نوشتن سطح بیشتری از توجه و عملکرد مغز را نیاز دارد.

یادداشت برداری به هیچ عنوان یک راه میانبر نیست، بلکه راهی برای یادگیری همه مطالب است؛ هدف از این کار، خلاصه کردن یا فشرده سازی مطالب نیست؛ بلکه هدف اصلی آن تحلیل، مرتب سازی، تحقیق و حذف مطالب پرتی است که در جزوه یا رفرنس آمده است.

یادداشتهای شما نباید به گونه ای باشند

که مطالب مهم و سوال خیز را جا بیندازند. اگر اینگونه باشد، یعنی بطور مناسبی یادداشت برداری نکرده اید. یادداشت های شما باید طوری باشند که تمام مطالب مهم تدریس شده را شامل شود.

با تشکر از خانم سارا سادات طباطبایی

برگرفته از: کتاب "چگونه در دانشکده پزشکی درس بخوانیم؟"

نویسنده: دکتر آرمن کامیاب

مترجمان: فاطمه امینی، شبنم شیردل

آنچه گذشت و آنچه خواهید دید:

برگزاری هیئت صاحب الزمان در روزهای سهشنبه هر هفته بعد از نماز جماعت در نمازخانه دانشکده پزشکی با سخنرانی حجت الاسلام رضازاده

برگزاری سلسله جلسات تاریخ و ادبیات به هفته در میان سهشنبهها از ساعت ۱۵ تا ۱۷ با تدریس دکتر بهرامی در تالار دانشجو

دورهمی صحنه‌های چهارشنبه ساعت ۹:۳۰ ویژه تمامی خواهران در پایگاه بسیج خواهران انتهای سالن شهدا سمت راست

برگزاری جلسات فلسفه انسان به میزبانی کانون مهندویت سهشنبه‌های هر هفته از ساعت ۱۵ تا ۱۷ با تدریس استاد پاسر رضا زاده در تالار قریب

برگزاری جلسات آموزش قرآن کریم دوشنبه‌ها از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در کلاس ۴ پزشکی با تدریس استاد محمدجواد جآوری

آیین بازگشایی سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ با حضور ریاست محترم دانشگاه دکتر رئیس کرمی سهشنبه ۳ مهر ماه از ساعت ۸ تا ۱۰ در تالار عزت



نویسنده شو!

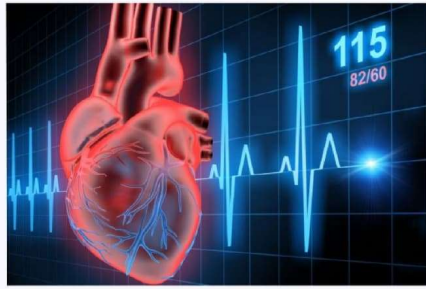
برای کسانی که دوست دارند توی محتوا دیوارنگار نقش داشته باشند؛ برای کسانی که نوشتن رو دوست دارند؛ برای کسانی که قلم خوبی دارند؛ این رویداد برای شماست. اگر اهل شعر و متن و قلم هستی حتماً با اسم خودت یا با به اسم مستعار نوشته‌ها رو برای آدرس زیر ارسال کن تا توی محتواهای بعدی منتت رو همین‌جا چاپ شده ببینی! منتظریم!!! @tumsnegar



احکام پزشکی، پیوند عضو

قطع عضو بدن مرده مسلمان از آن رو که مصداق مثله کردن و هتک حرمت مؤمن است حرام است و در چندین حدیث از آن نهی شده است. در این باب نیز تفاوتی میان آرای فقهای مذاهب اسلامی وجود ندارد. اما در شرایطی خاص، جدا کردن اعضای بدن مرده جایز است که مهم‌ترین آن‌ها حفظ جان یک مسلمان باشد. رضایت: به علاوه لازم است که رضایت شخص مرده از طریق وصیت او احراز شود یا اولیای میت پس از مرگش اجازه برداشت عضو را بدهند. هرچند برخی فقها با استناد به این که در موارد ضرورت و منحصر بودن راه حفظ جان مسلمان به پیوند زدن عضو بدن مرده مسلمان به او، قطعاً شارع اجازه برداشت عضو را داده است، به طور کلی وصیت یا اذن اولیای میت را شرط نمی‌دانند.

مسئله دیگری که در مبحث پیوند عضو دیگری به انسان مطرح است مرگ مغزی است. به اعتقاد شماری از فقیهان، مرگ مغزی مصداق "مرگ حقیقی" است و بنا بر این حکم قطع عضو افرادی که دچار مرگ مغزی می‌شوند، در همه موارد مانند حکم قطع عضو بدن میت است. در مجموع، می‌توان گفت که غالب فقیهان نسبت به مسئله پیوند اعضا، جز در فروع و جزئیات آن، نظر مساعد دارند.



- عریضجات یک شاگرد: امروز بیماری مسن با علائم درد قفسه سینه و تنگی نفس آمده بود. الکتروکاردیوگرام (ECG) الگوی نامنظم و آشفته‌ای از موج P و کمپلکس QRS با فاصله نامنظم نشان می‌داد. تشخیص استاد، فیبریلاسیون دهلیزی بود و برای درمان آن یک ضربان ساز قلبی در طرف چپ قفسه سینه بیمار نصب کرد. یک سیم از ضربان ساز که در داخل بافت زیر جلدی بر روی عضله پکتورالیس مازور قرار دارد ورید آگزیلاری را دقیقاً در زیر کلاویکل در خارج عضله سابکلویوس سوراخ میکند. بعد از آن سیم با عبور از درون شاخه های وریدی و دهلیز راست بر روی دیواره بطن راست قرار میگیرد که در اینجا می تواند قلب را وادار به انقباض کند؛ چنانچه گذشت درحالیکه من به درجه‌ی دستیار رسیده بودم آن بیمار آن روزی دوباره آمد اما به دلیل نارسایی قلبی شدید در اورژانس بستری شد. الکتروکاردیوگرام: فیبریلاسیون قلبی عکس رادیولوژی قفسه سینه: شکستگی سیم مربوط به ضربان ساز زیر کلاویکل. استاد می‌گفت، اگر سیم ورید آگزیلاری را دقیقاً در نزدیکی عضله سابکلویوس سوراخ کند، این احتمال وجود دارد که پس از چند سال حرکت شانه، عضله سابکلویوس بر سیم فشار آورد و سیم را بشکند که موجب خرابی ضربان ساز میشود پس باید آن را در خارجی ترین محل ممکن در داخل بخش اول ورید آگزیلاری وارد می‌کردیم... استاد بعد از گفتن این حرفه به سمت اتاق جراحی رفت....

با تشکر از گروه علمی بسیج خواهران

مشاهیر پزشکی

رنگ لباس جراحان: آقای دکتر نمازی از دانشگاه شیراز در مجله آمریکایی روانپزشکی (American Journal of Psychiatry) (Nov 2001) به بحث در خصوص نظریات و نوآوری‌های ابن سینا در علم روانشناسی و روانپزشکی پرداخته است. از جمله می‌نویسد: ابوعلی سینا در هنگام اعمال جراحی لباس سبز می‌پوشیده و به شاگردانش نیز این کار را توصیه نموده است. دکتر John Werner که متخصص روانپزشکی در دانشگاه کالیفرنیا است در تحقیقات خود به مقایسه رنگ سفید با رنگ سبز جهت روپوش پزشکان و جراحان پرداخته و می‌گوید: در ابتدا رنگ سفید جهت روپوش پزشکان و جراحان توصیه شد (چون نماد پاکی و تمیزی است) اما وقتی که این لباس‌ها با خون و سایر ترشحات بدن آلوده می‌شد، وضعیت نامناسب و زنده‌ای ایجاد می‌نمود و از سوی دیگر کنتراست بین رنگ سفید و خون برای برخی افراد آزار دهنده بود و نهایتاً به این دلیل رنگ لباس مخصوص جراحان به رنگ سبز تغییر کرد. همچنین رنگ سبز در اتاق عمل به جراح کمک می‌کند که بهتر ببیند چون در حلقه رنگ‌ها، رنگ سبز مقابل رنگ قرمز است و همچنین تمرکز به رنگ سبز (حتی به صورت متناوب) موجب می‌شود که حساسیت و دقت چشم‌ها نسبت به رنگ قرمز و خون افزایش یابد. جامعیت و همه جانبه نگری ابن سینا وی را از بسیاری از متفکران و دانشمندان متمایز می‌کند. وی با وجودی که به عنوان یک جراح مبتکر محسوب می‌گردد، در عین حال به جنبه‌های روانی اعمال جراحی نیز، دقت نظر ویژه‌ای داشته است.

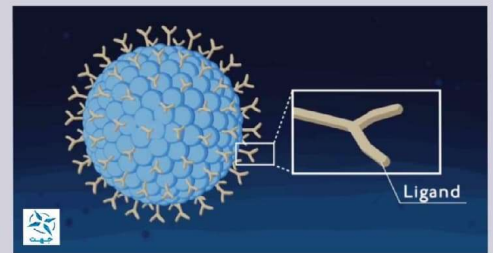
برشی از کتاب نظریات و ابتکارات ابن سینا و رازی در پزشکی نوین نوشته دکتر جعفر نصیری



پزشکی ورای دانشگاه

رشته‌های نوین پزشکی: نانو پزشکی

به تازگی استفاده از نانو ذرات باعث هدف‌گیری دقیق تومورهای سرطانی و تسهیل درمان آنها شده‌است. نانو ذرات ترکیبی از پلیمرها و دارو هستند که در محیط مناسب و پی اچ مناسب با یکدیگر تشکیل نانو ذره می‌دهند؛ به این صورت که ذرات دارو در مرکز و پلیمرها در اطراف، آنها را احاطه می‌کنند. سطح این نانو ذرات هم با لیگاند های اختصاصی پوشانده می‌شود. این ذرات به جریان خون تزریق و از این طریق به بخش سرطانی رفته و بخش سرطانی را مورد هدف قرار می‌دهند. لیگاند سطح نانو ذرات با غشاء سطح سلول سرطانی جفت می‌شود و از طریق اندوسیتوز به داخل آن راه پیدا می‌کند. بعد از ورود به سلول، تحت تأثیر عامل بیرونی مغناطیسی، الکتریکی یا نوری این نانو ذرات شکسته و دارو آزاد می‌شود.



با تشکر از مدرسه علمی جهت

من انتخاب می‌کنم تو چطور فکر کنی!

همیشه اخبار، کتب، فیلم‌ها، گزارشات و... جهت گیری دارند. به هر حال ما داریم از زاویه دید و عینک کسی که اون محتوا رو آماده کرده مسئله رو رویت می‌کنیم. ممکنه اون آدم نکات مثبت بیشتر به چشمش بیاد، یا شاید نکات منفی براش پر رنگتر باشه. ممکنه به مسئله به نظر اون مهم باشه ولی به نظر فرد دیگه نه. پس بالاخره محتوایی که به دست ما میرسه جهت داره. اما این مقدار جهت دار بودن کاملاً طبیعی و غیر ارادیه. اما به وقت میشه که کاملاً هدف دار و ارادی قضیه جهت دهی میشه. صاحب رسانه انتخاب میکنه که ما چه چیزی رو ببینیم و چه چیزی رو نبینیم. چه چیزی رو افراق بشه، چه چیزی پاک بشه. در واقع با یک نوع مهندسی به ذهن افراد جهت میده تا اونطور که تولید کننده تمایل داره افراد نتیجه گیری کنند نه طبق حقیقت و اونچه واقعا وجود داره. آلفرد چارلز کینزی با یک نوع مهندسی مفرضانه کتابی چاپ کرد که مسیر جامعه آمریکا رو به کلی عوض کرد. افرادی که قرار بود سوزه آماری کینزی باشند جوری انتخاب شده بودند که نتیجه مورد نظر کینزی از توی پژوهش‌ها حاصل بشه نه نتیجه حقیقی. در نهایت دست کینزی رو شد اما تاثیری که کتاب اون روی جامعه گذاشته بود هرگز جبران نشد....



بیا پول چاپ کنیم!

شاید درمان بعضی‌ها برای گرونی چاپ پول باشه؛ با این ایده که چند تیکه کاغذ می‌تونه تورم رو مدیریت کنه. اما چاپ پول آری یا خیر؟ اساساً اسکناس‌هایی که از شون استفاده می‌کنیم به خودی خود ارزش ندارند. به قول معروف به تیکه کاغذاند. اما چیزی که به این اسکناس اعتبار میده، پشتوانه است. قدیم‌ترها مردم برای تعاملات تجاری از سکه‌های طلا و نقره استفاده می‌کردند. این سکه‌ها ارزش ذاتی داشتند. اما بعدها قرار شد بجای خود طلا و نقره اسکناس‌هایی به نمایندگی از چیزهایی که ارزش ذاتی دارند، چاپ بشند. این یعنی هر کشوری متناسب با ذخایرش و اصطلاحاً پشتوانه‌اش باید دست به چاپ پول بزنه. اما اگر این مهم رو رعایت نکنه چی میشه؟ فرض کنید ما ۱۰ گرم طلا داریم و ۱۰ اسکناس چاپ می‌کنیم. هر اسکناس نماینده ۱ گرم طلاست. این یعنی قیمت ۱ گرم طلا معادل ۱ اسکناسه. حالا اگر ۱۰ اسکناس دیگه هم چاپ کنیم، حالا هر ۲ اسکناس نماینده ۱ گرم طلاست پس قیمت ۱ گرم طلا ۲ اسکناس میشه. این یعنی ما با چاپ پول بدون پشتوانه (پول فیات) خودمون به تورم و افزایش قیمت طلا دامن زدیم. با این حساب چه زمانی میشه پول چاپ کرد؟ این سوال طلبت تا ماه بعد.





کلامی که در مکالمات روزمره آن را از زبان برخی از مردم می‌شنویم؛ هنگامیکه از طرف سوال می‌شود چرا در کسب و کار خود دروغ می‌گوی؟ یا چرا فلان کار دغل‌کارانه را در قبال فلانی انجام دادی؟ در پاسخ و برای توجیه می‌شنویم که: «روزگار بدی شده»، «زمانه، زمانه ناجوری شده و ناچاریم برای اینکه کارمان را پیش ببریم، دروغ بگوییم» اما به راستی این «فاسد شدن زمانه» چه مفهومی دارد و آیا می‌تواند توجیهی برای برخی عملکردهای ناصحیح ما باشد؟ آنچه واضح است «زمان» به معنای «اندازه‌گیری گردش خورشید و ماه»، چیزی نیست که به خودی خود صلاح و فساد داشته باشد. همه زمان‌ها ذاتا شیه هم هستند، بلکه این مردم هر عصر هستند که به زمانه‌شان رنگ می‌دهند و این حوادث گوناگون است که زمان را زشت و زیبا و زندگی در آن را تلخ و شیرین می‌کند. بنابراین، هرکجا گفته شود که «زمان ما فاسد شده» به معنای این است که «مردم زمان ما فاسد شده‌اند». این مطلب در اشعاری که به عبدالمطلب جد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است، به زیبایی منعکس شده است: «هر يك از مردم بر زمانى عیب می‌گیرند، در حالیکه زمان ما عیبى جز ما ندارد، ما بر زمان خود عیب می‌گیریم، در حالیکه عیب در خود ما است و اگر زمان زبان بگشاید، ما را مسخره خواهد کرد. (شاهد این سخن این که) کرک گوشت هم نوع خود را نمی‌خورد، ولی ما آشکارا گوشت یکدیگر را می‌خوریم.»

یک جرعه ادبیات

قوم را اندیشه نابایدگی
در ضمیرش مدعا یابیدگی

اہل حق را حجت و دعوی‌ای است
خیرہای ماجدا دل نایکی

جوهر با مقامی بر نیست
بادہ تشرب جامی بر نیست

ہندی و ہندی سال جام ماست
رومی و سانی گل اندام ماست

قلب ما از ہند و روم و شام نیست
مرزو بوم ما بہ جز اسلام نیست

اقبال لاہوری



موسیٰ به سوی مقصدش روان است...

آنجا، لبنان، فرعون مہ کسانی را کہ ممکن است موسیٰ باشند، جستجو و قربانی می‌کند... تا تک... با موشک نقطہ زن، پیشتر ہم فرعون‌های دیگر چنین می‌کردند؛ اینجا، در ایران، ۴۵ سال پیش، بهشتی و مطہری و رجایی و دہدہ موسای دیگر را... اما رسولی کہ بنا بود باقی بماند، باقی ماند و بہ جای امام، ردای ولایت پوشید. مانتطور کہ فرعون دیگری، مت و باکری و خرازی و متوسلیان و صدہا موسای دیگر را از ما گرفت. و آن هنگام کہ مہنگان می‌گفتند سرداران خنثی مہ قربانی شدند، قاسم سلیمانی بہ صحنہ‌ی تاریخ بازگشت و سحر سحران را باطل کرد. آن موسی کہ بنیان فرعون را از ریشہ می‌کند، بر تہکہ چوبی در رود تاریخ، رہا شد و بہ سوی مقصدش روان است. خدا، می‌توانست موساہای دیگر را ہم از چشم فرعون پنهان کند؛ می‌توانست تیغ‌ها را بشکند و موشک‌های نقطہ زن را بہ نقطہ‌ی دیگری فرو نشاند... اما، خدا هست و خدایی می‌کند. فرعون سرخوش از کشتن مہی آن‌ها کہ در کاوش موسی بودہ اند، بہ تخت شاهی بازگشتہ. موسی ہم بہ نوہی خود، تاریخ را شکافد و با عصای اژدہا بیرون می‌جہد. ما چہ کنیم؟ ما برادران و خواہران صدہای موسای قربان شدہ؟ خدا در این صحنہ‌ی بہ ہم پیچیدہ‌ی طاقت سوز از ما چہ می‌خواہد؟ «صبر و شکر» کہ صحنہ‌هایی خروج از ظلمات بہ سوی نور را رقم می‌زنند.

وحید یامین پور

کاپیتالیسم تهدید یا فرصت؟

رشد اقتصادی به بهای له کردن افراد زیر چرخ‌های صنعت؟

نظام سرمایہ داری با حمایت از مالکیت خصوصی بہ دنبال ایجاد رقابت بین سرمایہ داران میگردد. وقتی ہمہ چیز دست دولت باشہ، رقابت معنا ندارد. پس این مالکیت خصوصی ہستش کہ امکان ایجاد رقابت و بہ طبع ارتقا کیفیت خدمات و محصولات رو ایجاد میکند. البتہ خیلی بی‌راہ ہم نگفتن، این رقابت حقیقتا شکوفایی اقتصادی ایجاد میکند؛ اما بہ چہ قیمتی؟ فدا کردن انسان‌ها؟ شرکت‌ها برای نشون دادن اینکه کالاہون لایق خریدہ شدن ہست باید شما رو اقناع کنند، این اتفاق کاملا طبیعیہ اما موضوع وقتی غالب میشہ کہ سرمایہ دار ہا از اطلاعات شخصی شما در این جہت، سوء استفادہ می‌کنند. ہر کس علایق و شخصیت منحصر بہ فرد خودش رو دارہ و طبعا سبک اقناع شدنش ہم منحصر بہ فردہ. در نتیجہ برای شناسایی سبک اقناعی ہر فرد باید الگوریتم‌هایی طراحی بشہ کہ ہر فرد جامعہ رو دقیق آنالیز کنہ. نمونہ‌های معروف این الگوریتم‌ها، اینستاگرام و تیک تاک ہستند. در واقع ارزش این شبکہ‌ها برمیگردد بہ اینکہ چقدر دقیق از مردم اطلاعات کسب می‌کنند و چقدر دقیق ذائقہ‌ها رو رصد می‌کنند. کما اینکہ بعد مدتی اکسپلور شما کاملا مطابق علایق شما ترسیم میشہ و این یعنی شناسایی دقیق شما. این اطلاعات از لحاظ سیاسی، نظامی و اقتصادی بسیار ارزشمندہ. با دونستن ذائقہ افراد یک جامعہ، افراد ذی نفع اطلاعات لازم بہ جہت متقاعد کردن مردم برای رای دادن بہ یک کاندید ریاست جمہوری یا خرید یک کالا رو دارند. در واقع سرمایہ داری حریص، شخصی، اطلاعات شخصی و فکر شما رو برای منفعت مالی تصاحب میکند. آزادی و اختیار شما در انتخاب رو با سوء استفادہ از اطلاعات شخصی شما سلب میکند و بہ نحوی شما رو ہدایت میکند. بہ غیر از فکر و آزادی، جسم‌ها ہم قربانی نظام سرمایہ داری میشن. وقتی عرضہ از تقاضا بالاتر برہ، تولید کنندہ برای فروش محصول باید نیاز کاذب ایجاد کنہ، برای اسلحہ‌اش جنگ راہ بندازہ، برای لباسش مد ایجاد کنہ و برای لوازم آرایشش استانداردهای جدید زیبایی تعریف کنہ. اما کار بہ ہمین جا ختم نمیشہ... (ادامہ در نسخہ بعدی)

کتاب چی میخونی؟

از لحاظ اقتصادی، اسرائیل برای منطقہ، خطر است. چندی است کہ صہیونیست‌های حاکم بر فلسطین، تزی را بہ نام «تر خاورمیانہ جدید» مطرح کردہ‌اند. خاورمیانہ جدید، یعنی چہ؟ یعنی خاورمیانہ بر محور کشور اسرائیل شکل بگیرد و اسرائیل بندریج بر کشورهای عربی و و کشورهای منطقہ و مناطق نفتی در خلیج فارس سیطرہ اقتصادی داشتہ باشد! این هدف اسرائیلی ہاست. هدف اسرائیل، توسعہ است. دولت صہیونیستی بہ سرزمین فلسطین فعلی ہم قانع نیست. اول یک وجب جا می‌خواستند، بعد نصف زمین فلسطین را گرفتند، بعد ہمہ سرزمین فلسطین را گرفتند، بعد بہ کشورهای ہمسایہ فلسطین مثل اردن و سوربہ و مصر تجاوز کردند و زمین‌های آن‌ها را گرفتند. الان ہم هدف اساسی صہیونیسم، ایجاد اسرائیل بزرگ است.

برگرفته از کتاب فلسطین از مجموعہ کتاب رہنامہ



هشتک کد
تہ دیگ فکرت چہ؟

